

گزارش

نگاهی به ترمیم کابینه اواما

باراک اواما که در تلاش برای مقابله با محبوبیت تضعیف‌شدهٔ خود است، روز جمعه در شرایطی یک مشاور امنیت ملی جدید منصوب کرد که این اقدام به عنوان بخشی از برنامه ترمیم میان‌دوره‌ای سیاستگذاران ارشد که شانس شروع تازه‌ای را به وی می‌دهد، محسوب می‌شود. سایت اینترنتی شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی در گزارشی درباره گزینه‌های احتمالی جانشینی به جای مقاماتی که در دوره باقیمانده ریاست‌جمهوری اواما کنار می‌روند، نوشته است: «باراک اواما رئیس‌جمهور امریکا، در حال جایگزینی ژنرال جیمز جونز فرمانده سابق نیروی دریایی با تام دانیلون مشاور نزدیک وی است که به این ترتیب یک منتقد استراتژی اواما برای افزایش نیرو در افغانستان، مسوول بازنگری جنگی در ماه دسامبر خواهد شد. با توجه به اینکه خروج افراد دیگر کمک کرد باراک اواما گروه اقتصادی خود را تغییر شکل دهد، این اقدام فرصتی است از رویکرد جدیدی امتحان شود.» به گزارش ایسنا، لیست تغییراتی که صورت گرفته یا ممکن است در دولت اواما رخ دهد به این شرح است.

– لری سامرس مشاور اقتصادی ارشد کاخ سفید، در ۲۱ سپتامبر اعلام کرد وی تا پایان سال ۲۰۱۰ استعفا خواهد داد و به دانشگاه هاروارد که قبلاً استاد آنجا بود، باز می‌گردد. گمانه‌زنی‌های اولیه حاکی از آن بود که اواما به دنبال فردی با تجربه و ترجیحاً یک خانم است، اما مشاوران وی تأکید کردند وی به دنبال بهترین گزینه در این سمت می‌شود.

جایگزین‌های احتمالی سامرس، ۱- لورا تیسون مشاور اقتصادی ارشد سابق در دوران ریاست‌جمهوری بیل کلینتون است که استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیاست. ۲- دایانا فارل معاون سامرس در NEC است که کمک کرد اصلاحات نظم‌دهنده مالی را شکل دهند. وی تخصص بخش خصوصی را به داخل دولت اواما وارد خواهد کرد. ۳- جیسون فورمن معاون سامرس، در زمان کمپین انتخاباتی اواما مشاور اقتصادی ارشد وی بود. ۴- آنه مولکاهی مدیر اجرایی سابق شرکت زیراکس نیز به عنوان یک کاندیدای پیشرو در نظر گرفته شده است، اما وی در گفت‌وگو با س‌ان‌بی‌سی اظهار کرد، گمان نمی‌کند این شغل مناسب وی باشد.

– رام انوتولن رئیس دفتر اواما برای نامزد شدن در انتخابات شهرداری شیکاگو از سمت خود کناره‌گیری کرده است. پیت روسی مشاور اواما به طور موقت جانشین



امانوئل شده است. روسی از مخالف عمومی اجتناب می‌کند و نسبت به امانوئل بیشتر به عنوان عامل پشت پرده فعالیت می‌کند و می‌تواند به طور دائم در این سمت فعالیت کند. جانشین‌های احتمالی شامل افراد زیر می‌شوند: ۱- ران- کلیس رئیس دفتر سابق که همچنین به عنوان مشاور ارشد ال گور معاون رئیس‌جمهور سابق خدمت کرده است. ۲- رابرت باتر مشاور کاخ سفید، از مدت‌ها پیش مشاور اواما بوده و به عنوان وکیل خصوصی وی خدمت کرده است. ۳- تام دالش رهبر سابق دموکرات‌های سنا که اواما به مشاوره وی ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است. ۴- لنون پانتر رئیس دفتر سابق بیل کلینتون رئیس‌جمهور سابق امریکا که در حال حاضر مدیر سازمان جاسوسی امریکا (سیا) است.

– رابرت تکیسنس وزیر دفاع امریکا، که از زمان ریاست‌جمهوری جرج بوش وزیر دفاع امریکاست، اظهار کرده در سال ۲۰۱۱ استعفا خواهد داد.نامزدهای احتمالی جانشینی وی شامل افراد زیر می‌شوند: ۱- میشل فلورونی معاون وزیر دفاع در امر سیاست‌گذاری است که ممکن است اولین وزیر دفاع زن شود. ۲- جک رید سناتور دموکرات و از پرسنل کهنه‌کار ارتش که به گفته دموکرات‌ها، وی شخصی است که اواما به مشاوره وی ارزش قائل است. ۳- چاک هاگل که سابقاً سناتور جمهوریخواه بود و در زمان کمپین انتخاباتی سال ۲۰۰۸ همراه اواما به عراق و افغانستان سفر کرد.

– دیوید اکسلورد مشاور ارشد امریکا، به طور ضمنی گفته احتمالاً در سال ۲۰۱۱ از دولت باراک اواما کناره‌گیری خواهد کرد تا زمینه‌های کمپین اواما را در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ فراهم کند. بسیاری از گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که رابرت گیبس سخنگوی کاخ سفید به عنوان مشاور اواما در خصوص استراتژی و ارتباطات، نقش پشت‌پرده‌ای کسب کند. گیبس همچنین به عنوان رئیس احتمالی کمیته ملی دموکرات مورد اشاره قرار گرفته است. جایگزین‌های احتمالی او شامل افراد زیر می‌شوند: ۱- استفانی کاتر سخنگوی ارشد در زمان انتقال قدرت اواما بود که هم‌اکنون دستیار ویژه رئیس‌جمهور محسوب می‌شود. ۲- کارنی سخنگوی جو بایدن معاون رئیس‌جمهور که سابقاً رئیس دفتر محله تام در واشنگتن بود. ۳- جف مورل سخنگوی وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) است. مورل از زمان دولت جرج بوش همدهدار این سمت است.

– آدمیرال مایکل مولن رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا که گمان می‌رود پس از اتمام دور دوم تصدی‌اش در اول اکتبر سال آتی بازنشسته شود. کاندیداهای احتمالی جایگزینی وی شامل افراد زیر هستند: ۱- ژنرال دیوید پترائوس فرمانده ارشد امریکا در افغانستان گزینه مناسبی به نظر می‌آید. ۲- ژنرال جیمز کارترایت معاون رئیس ستاد مشترک، گزینه جانشینی قدرتمندی محسوب می‌شود.

مشاوران ارشدی که هم‌اکنون دولت باراک اواما را ترک کرده‌اند

کریستینا رومر اوایل ماه سیتامبر از سمت رئیس شورای مشاوران اقتصادی کناره‌گیری کرد و اوستان گولسبی جانشین وی شد که یکی از اعضای CEA (مجمع مصرف‌کنندگان کالاهای الکترونیک) بوده است. پیترو سرازگ رئیس بودجه اواما که ماه ژوئیه کناره‌گیری کرد و باراک اواما، جک لو معاون وزیر امور خارجه امریکا را به عنوان جایگزین وی معرفی کرد و این در حالی است که انتصاب وی در سنا متوقف شده است.

پدر، پسر، نوه؛ پازل جانشینی در پیونگ‌یانگ

عروج یک‌شنبه کیم جونگ اون از مرتبه پسر کوچک

رهبر کره شمالی به مقام جانشین رهبر، نمونه‌ای است که می‌تواند پاسخ بسیاری از سوالاتی باشد که ذهن بسیاری از تحلیلگران سیاسی را نسبت به وضعیت این کشور اسرارآمیز به خود مشغول کرده است؛ کشوری که مدت‌هاست هیچ عکس، فیلم و خبری به جز از طریق رسانه‌های دولتی و رسمی آن به بیرون درز پیدا نمی‌کند. شهروندانش اجازه عبور و مرور آزاد چه در داخل و چه سفر به خارج از کشور را ندارند. ناهندگان اهل کره شمالی داستان‌هایی مبنی بر بهره‌کشی بدنی، سقط جنین و بچه‌کشی در زندان‌ها نقل می‌کنند و جشنواره‌هایی پرهزینه به نام بازی‌های توده در تجلیل از رهبر این کشور برگزار می‌شود که به مدت شش شب پیاپی در هفته و به مدت دو ماه برگزار می‌شود. در این نمایش‌ها صد هزار شرکت‌کننده از جمله رقص‌ها و ژیمناست‌ها به اجرای نمایش می‌پردازند، در حالی که بسیاری از مردم این کشور در فقر مطلق زندگی می‌کنند. هنوز هم اردوگاه مخوفی همانند گولاگ در آن وجود دارد و تاکنون بین ۷۰۰ هزار تا سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در این کشور اعدام شده‌اند. اعدام می‌تواند حتی به دلیل یک تماس تلفنی ساده یا خارج از کشور یا احتکار مواد غذایی صورت گیرد. این اعدام‌ها گاهی در استادیوم‌های ورزشی در حضور هزاران تماشاگر انجام می‌شود. کره شمالی که فهرست واحد اطلاعات اکونومیست، دیکتاتورترین کشور جهان به شمار می‌آید.

در نهایت، وسوسه‌ها برای دانستن و سال‌ها گمانه‌زنی و اخبار ناقص از منابع مشکوک پایان یافت و حضور در یک مراسم رسمی رشته ناگسستنی قدرت را از پدر به پسر و نوه تأیید کرد. اکنون موضوعی که بیشتر از این حدس و گمان‌ها آزاردهنده است این است که چگونه پسر۱۷ساله میراث‌خوار رژیم کیم جونگ ایل خواهد بود؟ نوه، پسر و پدربزرگ؛ فرماندهی جمهوری دموکراتیک خلق کره شمالی تنها در دستان یک خانواده است. خانواده کیم که هر چند نام کشور را بلند و رنگارنگ انتخاب کرده‌اند و در آن خلق و دموکراسی و جمهوری را به هم وصل کرده‌اند، اما در ریاست آن به‌پیش‌پافتاده‌ترین و غیردموکراتیک‌ترین روش پسنده و حکومت را موروثی کرده‌اند.

روز دوشنبه ۲۷ سپتامبر کیم جونگ اون برای اولین بار در رسانه‌های کره شمالی ظاهر شد؛ در هیئت یک زن‌سوار چهارستاره، در حالی که هنوز رسانه‌های جهان از اینکه نام او را درست می‌نویسند یا نه، مطمئن نبودند. همزمان تنها حزب کشور که خود را «حزب کارگر جمهوری دموکراتیک خلق کره» می‌نامد، پس از چند دهه کنگره‌ای برگزار کرد که در آن کیم جونگ اون ۲۷ساله به عضویت کمیته مرکزی درآمد. تا همین چند هفته پیش که قرار بود انتخابات داخلی حزب کمونیست برگزار شود، کم نبودند تحلیلگرانی که پیشاپیش منتظر دیدن پسر جوان کیم جونگ ایل در تلویزیون رسمی حکومت بودند ولی این اتفاق نیفتاد و انتخابات بدون شگفتی با پیروزی مجدد پدر به پایان رسید. هنوز با لحنهٔ برج‌گرای آخرین انتخابات درون‌حزبی، هنوز کسی کیم پسر را ندیده بود و تصاویر اندکی هم که وجود داشت همگی «احتمالاً» عکس پسر سوم رهبر کره شمالی بودند، تا بالاخره صبح شنبه در شمت و پنجمین سالگرد برپایی حزب کارگران کره شمالی، پسر ناگهان در جمع ظاهر شد، برای رژه‌روندگان دست تکان داد و رو به «خلق کره» لبخند زد. خبرگزاری‌ها هم فرصت کردند چند عکس رسمی از نسل سوم کیم‌ها منتشر کنند، گرچه قدرت هنوز به شکل رسمی در دستان پدر باقی مانده است.

روز یکشنبه (۱۰ اکتبر، ۱۸ مهر) در مراسم رژه نظامی به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کره شمالی کیم جونگ‌اون کوچک‌ترین پسر رهبر کره نیز برای نخستین بار در کنار پدرش قرار گرفت و به این ترتیب به چند دهه حدس و گمان در مورد رهبر کره شمالی پایان داد. از چند دهه پیش خبرهای رسمی و قابل اطمینان در مورد ساختار قدرت و رهبری در کره شمالی به ندرت منتشر می‌شود. در ماه‌های گذشته شایعات فراوانی در مورد بیماری کیم جونگ ایل، رهبر کنونی کره شمالی، انتشار یافته است. این شایعات زمانی قوت گرفت که از رهبر ۶۸ساله کره شمالی مدت‌ها فیلمی به نمایش درنیامد و عکس تازه‌ای منتشر نشد و همین موضوع بحث جنجالی جانشین او را به میان کشید.

بر اساس گزارش رسانه‌های دولتی، رژه نظامی روز یکشنبه بزرگ‌ترین همایش در نوع خود و در چند دهه گذشته بوده است. خبرگزاری دولتی کره شمالی گزارش می‌دهد: «فضای جشن و سرور سراسر پایتخت را فراگرفته است. در تمام مراسم سان

و رژه نیروهای نظامی کیم جوان در چند قدمی پدرش و در میان افسران ارشد ارتش قرار داشت.»

یک روز پیش از رژه نظامی در پیونگ‌یانگ، تلویزیون دولتی کره شمالی تصاویری را به نمایش گذاشت که در آن رهبر این کشور همراه با فرزند جوانش در یک استادیوم ورزشی حضور پیدا کردند و مورد استقبال شدید حاضران قرار گرفتند. تلویزیون دولتی کره شمالی تصاویری از مردم را نشان داد که ظاهراً از شدت هیجان اشک می‌ریختند؛ تصاویری که چندان هم غریب

باز تولید سلطنت در نظام کمونیستی

نزهت امیرآبادیان



نبودند. تلویزیون کره پس از مرگ پایه‌گذار کره شمالی کیم ایل سونگ پدر رهبر کنونی کره تصاویر مشابهی پخش کرد؛ گریه مجری تلویزیون و مصاحبه‌شوندگان و تصاویری که در آن مردم کره در خیابان‌ها گریه کنان به سوی مجسمه بزرگ رهبر کره پیش می‌رفتند؛ نمایش‌هایی که با مراجعه به گزارش‌های غیررسمی‌ای که خبر از میزان فقر و بدبختی مردم کره شمالی می‌دهد به سادگی می‌توان به ساختگی بودن‌شان پی برد.

تمامی این صحنه‌سازی‌ها به این دلیل است که کیم جونگ ایل که در کشورش خبرنگارهای خارجی حق عکس گرفتن ندارند و شهروندانش حتی برای سفر نیز باید مجوز بگیرند، دوست نادر روزی مانند صدام حسین از چاله‌ای بیرون آورده شود و لحظهٔ برج‌گرای آخرین انتخابات کوچک‌ترین کند تا هویتش را افشا کند.

میان روند قدرت‌گیری کیم جونگ ایل و نشستش بر جای پدر با شیوه معرفی کیم جونگ اون و سپردن مسوولیت‌های مهم به او شباهت‌های بسیاری وجود دارد. رهبر کنونی کره شمالی ابتدای دهه ۸۰ میلادی در یکی از اجلاس‌های حزبی به سمت‌های بالا انتخاب شد و پس از مرگ پدرش، در سال ۱۹۹۴ جانشین او شد. «کیم اول» رئیس‌جمهور ابدی این کشور خوانده می‌شود و قرار است حکومت در خانواده او موروثی باشد.

پدربزرگ از جوانی به علت همجوار بودن شبه‌جزیره کره با اتحاد جماهیر شوروی و تماس‌هایی که با چینی‌های طرفدار کمونیست داشت، تحت تأثیر عقاید کمونیستی قرار گرفت و به مبارزات مسلحانه علیه ارتش ژاپن روی آورد و در سال ۱۹۳۵ ارتش ضدژاپنی را تشکیل داد. پس از فشارهای زیاد ارتش ژاپن به او و هم‌زمانش، در سال ۱۹۴۰ به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در سال ۱۹۴۱ به ارتش سرخ شوروی ملحق شد. در سال ۱۹۴۲ پسرش کیم جونگ ایل از همسر دومش که یک پارتیزان کره‌ای بود به دنیا آمد. پس از شکست ژاپن و اشغال قسمت شمالی کره توسط ارتش سرخ شوروی در سال ۱۹۴۵،

کیم ایل میان بسیاری از تحلیلگران مسائل شبه‌جزیره کره شمالی در سال ۱۹۴۸ جمهوری دموکراتیک خلق کره شمالی را تشکیل دهد و در سال ۱۹۴۹ به کمک استالین و وجود دارد. رهبر کنونی کره شمالی ابتدای دهه ۸۰ میلادی در یکی از اجلاس‌های حزبی به سمت‌های بالا انتخاب شد و پس از مرگ پدرش، در سال ۱۹۹۴ جانشین او شد. «کیم اول» رئیس‌جمهور ابدی این کشور خوانده می‌شود و قرار است حکومت در خانواده او موروثی باشد.

پدربزرگ از جوانی به علت همجوار بودن شبه‌جزیره کره با اتحاد جماهیر شوروی و تماس‌هایی که با چینی‌های طرفدار کمونیست داشت، تحت تأثیر عقاید کمونیستی قرار گرفت و به مبارزات مسلحانه علیه ارتش ژاپن روی آورد و در سال ۱۹۳۵ ارتش ضدژاپنی را تشکیل داد. پس از فشارهای زیاد ارتش ژاپن به او و هم‌زمانش، در سال ۱۹۴۰ به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در سال ۱۹۴۱ به ارتش سرخ شوروی ملحق شد. در سال ۱۹۴۲ پسرش کیم جونگ ایل از همسر دومش که یک پارتیزان کره‌ای بود به دنیا آمد. پس از شکست ژاپن و اشغال قسمت شمالی کره توسط ارتش سرخ شوروی در سال ۱۹۴۵،

کیم ایل میان بسیاری از تحلیلگران مسائل شبه‌جزیره کره شمالی در سال ۱۹۴۸ جمهوری دموکراتیک خلق کره شمالی را تشکیل دهد و در سال ۱۹۴۹ به کمک استالین و وجود دارد. رهبر کنونی کره شمالی ابتدای دهه ۸۰ میلادی در یکی از اجلاس‌های حزبی به سمت‌های بالا انتخاب شد و پس از مرگ پدرش، در سال ۱۹۹۴ جانشین او شد. «کیم اول» رئیس‌جمهور ابدی این کشور خوانده می‌شود و قرار است حکومت در خانواده او موروثی باشد.

پدربزرگ از جوانی به علت همجوار بودن شبه‌جزیره کره با اتحاد جماهیر شوروی و تماس‌هایی که با چینی‌های طرفدار کمونیست داشت، تحت تأثیر عقاید کمونیستی قرار گرفت و به مبارزات مسلحانه علیه ارتش ژاپن روی آورد و در سال ۱۹۳۵ ارتش ضدژاپنی را تشکیل داد. پس از فشارهای زیاد ارتش ژاپن به او و هم‌زمانش، در سال ۱۹۴۰ به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در سال ۱۹۴۱ به ارتش سرخ شوروی ملحق شد. در سال ۱۹۴۲ پسرش کیم جونگ ایل از همسر دومش که یک پارتیزان کره‌ای بود به دنیا آمد. پس از شکست ژاپن و اشغال قسمت شمالی کره توسط ارتش سرخ شوروی در سال ۱۹۴۵،

جهان

باز تولید سلطنت در نظام کمونیستی

پدر، پسر، نوه؛ پازل جانشینی در پیونگ‌یانگ

نزهت امیرآبادیان

هدف قرار نداده و تنها کره‌ای‌ها گرسنه‌تر از پیش شده‌اند و آقای سرسخت چهار میلیارد دلار را ذخیره کرده است تا شاید روزی به کار آید. بر اساس گزارش دلی‌تلگراف، بخش اعظمی از این سرمایه در بانک‌های سوئیس نگهداری می‌شود. در نهایت وضع مقرراتی در خصوص پولشویی در سوئد، کیم جونگ ایل را بر آن داشت تا این پول را از این بانک‌ها خارج کند و به بانک‌های لوکزامبورگ منتقل کند.

به باور تحلیلگران، این پول سود فروش تکنولوژی‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی، خرید و فروش مواد مخدر، تقلب‌های بیمه‌ای، استفاده از کارگران اجباری و جعل ارز خارجی است. کن کاتو مدیر حقوق بشر در آسیا معتقد است در جایی از این جهان بانکدارانی هستند که از مخفی کردن و مدیریت حساب‌های مخفی کیم جونگ ایل پول زیادی به دست می‌آورند و در همین حال تقریباً ۹ میلیون تن از مردم کره شمالی از کمبود غذا رنج می‌برند.

کره شمالی کشوری است که مقامات انتظامی آن در مواقع شلوغی صبح و زمان‌های ناهار در خیابان‌ها کمین کرده و هر زنی را که شلوار به تن داشته باشد مطابق قانون رنج می‌کنند، چون دولت کره شمالی اعلام کرده زنان حق پوشیدن شلوار نداشته و کسانی که این قانون را نقض کنند با ساعت‌ها کار اجباری یا ۷۰۰ ون (واحد پول کره شمالی) جریمه خواهند شد. ۷۰۰ ون، حدوداً حقوق یک هفته کارمند ساده است. زنان در حالی مجبور به پوشیدن دامن در اماکن عمومی و خیابان‌ها می‌شوند که برخی از آنان باید در شرایط سخت کار کنند و این محدودیت تنها به این دلیل اعمال می‌شود که کیم جونگ ایل در سال ۱۹۸۶ ابلاغیه‌ای از مبنی بر لزوم پوشش لباس سنتی کره صادر کرده و گفته بود شخصیت ملی در زبان و رفتار و روحیه نیست، بلکه در لباس نیز نهفته است.

آسوشیتدپرس به تازگی از قول یانگ هیونگ سوپ یکی از اعضای پولیت‌بورو، کمیته مرکزی حزب کارگران زاده نشده است کیم جونگ اون به عنوان رهبر بعدی کره انتخاب شد و «خلق کره به اینکه رهبری از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، مفتخر است.» معمولاً در مورد پسرانی که قرار است قدرت را در دست بگیرند اطلاعاتی منتشر می‌شود و رسانه‌ها از چندی قبل با رهبر جدید آشنا می‌شوند، اما در مورد کیم جونگ اون، اخبار چنان کم است که حتی پیش‌بینی‌های اندک در مورد آینده کره شمالی را هم ناممکن می‌کند.

کیم جونگ اون هشتم ژانویه ۱۹۸۲ – احتمالاً – در پیونگ‌یانگ متولد شده است. مادرش در سال ۲۰۰۴ درگذشت. زاد و ولد خارج از ازدواج در خانواده کیم رایج بوده و فرزند سوم دیکتاتور نیز از همسر رسمی او زاده نشده است. پسر جوان رهبر کره شمالی نخست در کشور خود و سپس در سوئیس درس خواند. پس از بازگشت از سوئیس در انتظار عمومی ظاهر نشد. تنها اطلاعات اولیه‌ای که در مورد او به بیرون درز پیدا کرد، گفته‌هایی از قول آشپز رسمی دربار است که گفته بود «پدر در او بیشترین شباهت را به خودش می‌دید.» به هر حال پدر هنوز زنده و در مسند قدرت است، هر چند همه چیز از انتقال این قدرت به جوانی حکایت دارد که کسی از او چیزی نمی‌داند. پسر جوانی که ریاست یک کشور دارای توانایی‌های امنی را در دست می‌گیرد و در یکی از مهم‌ترین نقاط استراتژیک جهان بر کشور فقیر و فراموش‌شده‌ای حکومت خواهد کرد که همچنان در کنار همسایه جنوبی کلید بازی قدرت میان شرق و غرب محسوب می‌شود.

در مراسم رژه نظامی روز یکشنبه که به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کره شمالی برگزار شد هیاتی نیز از کشور چین حضور داشت که بزرگ‌ترین حامی کره شمالی محسوب می‌شود. بنابر گزارش‌ها، یکی از دلایل غیبت طولانی کیم جونگ ایل از صحنه سیاسی کشورش سکنه مغزی و حضور در چین برای معالجه بوده است.

چین مهم‌ترین حامی کره، خود از جمله کشورهایی است که مجازات اعدام در این کشور، تنها نه‌ت‌ها برای مخالفان سیاسی که برای مجرمان اقتصادی و اجتماعی به سادگی اعمال می‌شود. اما دلیل حمایت‌های چین از کره شمالی چیست؟ کاملاً روشن است که چین آخرین کشوری است که ممکن است خواهان فروپاشی حکومت دیکتاتوری کره شمالی باشد چون این اتفاق شرایط دشواری را پیش روی پکن قرار خواهد داد. دولت چین پیش‌بینی می‌کند در صورت فروپاشی کره شمالی منطقه نفوذ امریکا تا کنار مرزهای چین پیشروی خواهد کرد و در این صورت موقعیت چین به عنوان غول منطقه دچار چالش خواهد شد. در واقع برای حل معمای پیونگ‌یانگ بیش از هر چیز باید به رقابت‌های میان واشنگتن و پکن دقت کرد.

اما وضعیت مردمان کره شمالی تنها یک رمان تلخ نیست که بتوان با پایان آن نفس عمیقی کشید و بعد از چند روز همه چیز را به فراموشی سپرد. کره شمالی کشوری در شرق آسیاست که تنها برای ادامه و ثبات مناسبات و بازی‌های اقتصادی، وضعیت مردمان آن نادیده گرفته می‌شود. شاید در این شرایط تنها کاری که از ما برای مردمان کره شمالی بر بیاید این باشد که آرزو کنیم، «کیم جونگ اون» راه پسر را در پیش بگیرد و اندکی دموکراتیک‌تر ببیندش.

یادداشت

برزیل در اردوگاه چپ‌گرایان

اردشیر زارعی‌قنواتی

انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل روز یکشنبه ۳ اکتبر ۲۰۱۰ هر چند به دور دوم کشیده شد ولی کاملاً مشخص است که این کشور نیز به زودی به کشورهایی خواهد پیوست که زنان توانایی خود را برای رهبری در بالاترین سطوح قدرت اثبات کرده‌اند. الکترونیکی‌ترین انتخابات جهان که شائبه هرگونه قلب و تخلفی را در نتیجه نهایی به صفر نزدیک می‌کند در شرایطی برگزار شد که برزیل در طول هشت سال دوران ریاست‌جمهوری «لویس ایناسیو لولا داسیلوا» مطلوب‌ترین دوران رشد و توسعه را به تجربه کرده است. محبوبیت لولا که پس از دو دوره ریاست‌جمهوری دیگر نمی‌توانست در این پست بماند طبق آخرین نظرسنجی‌های معتبر حدود ۸۰ درصد بوده است، چنانچه «باراک اواما» رئیس‌جمهوری امریکا در آخرین دیدار خود با همتای برزیلی گفت: «هم‌اکنون لولا داسیلوا محبوب‌ترین رهبر جهان است.» برزیل در دوران دامادملاری لولا توانست از موقعیت یک کشور به‌لکار به یکی از قدرتهای بزرگ نوظهور در جهان تبدیل شود و هم‌اکنون در کنار چین و هند، ضلع سوم این مثلث قدرت و اعتبار را به خود اختصاص دهد. جایگاه کاریزماتیک لولا داسیلوا در عرصه سیاسی برزیل نه‌تنها مسیر مبارزه برای قدرت از سوی «حزب کارگران» را تا حدود زیادی هموار و تضمین کرد بلکه برگ برنده نقش آفرینی در باشگاه‌قدرتهای جهانی برای تأثیرگذاری بر تحولات بین‌المللی برای این کشور مهیا کرده است. موفقیت سیاست‌های دولت کارگری طی این سال‌ها تا به آن اندازه بنیادین بوده است که هیچ نیرویی، حتی اپوزیسیون محافظه‌کار این کشور، توان و قدرت تغییر و بازنگری در این خصوص را نخواهد داشت. به همین دلیل رای‌دهندگان برزیلی که اکثریت مطلق آنان از تحولات جاری خشنود هستند، ترجیح می‌دهند سکان رهبری کشور را به دست کسی بسانند که ادامه‌دهنده همین مسیر باشد. در واقع نتیجه نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل را هم‌چنان لولا داسیلوا تعیین می‌کند و حمایت وی از «دیلمار روسف» رئیس دفتر سابق خود که در دور اول موفق به ۴۷ درصد آرا شد، شانسایی برای قیپ محافظه‌کار «خوزه سرا» با ۳۳ درصد آرا در دور دوم انتخابات روز ۳۱ اکتبر باقی نخواهد گذاشت. در دوران شکوفایی آنچه برای افکار عمومی و عموم رای‌دهندگان بااهمیت تلقی می‌شود تداوم این مسیر است که به تبع آن زندگی شخصی و اعتبار همگانی آنان را ارتقا می‌دهد. وحشت از بازگشت به گذشته در شرایطی که کشور در مسیر درست حرکت می‌کند کابوسی خواهد بود که هیچ کس مایل به آزمودن آن نخواهد بود. بدون شک ۱۳۶ میلیون رای‌دهنده‌ای که در آخرین روز اکتبر به پای صندوق‌های رای خواهند آمد در انتخاب بین «آن» و «آن» ایسن واقعیتی عینی را مدنظر قرار خواهند داد. اگر به ترکیب آرا در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل به درستی نگاه شود در صورتی که حادثه غیرترقبه‌ای اتفاق نیفتد این یقین حاصل می‌شود که خانم دیلمار روسف با فاصله زیاد از رقیب محافظه‌کار خود پیروز خواهد شد. در بین این آرای خانم «مارینا سیلوا» از حزب سبز که به طور شگفت‌انگیزی توانست ۱۹/۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد، موجب حدس و گمان‌های متفاوتی شده است. خانم سیلوا قبلاً عضو حزب کارگران و وزیر سابق محیط زیست در دولت لولا داسیلوا بوده اما در انتقاد از عدم‌توجه مطلوب دولت کارگری به معضلات محیط زیستی از حزب و دولت استعفا داده است. گفته می‌شود وی حامل افکار و مطالبات نسل جوان و طبقه شهرنشین است که همچون دیگر سبزها در جهان سیاست، حقوق بشر و توسعه اقتصادی می‌کند.آرای خانم سیلوا یک ماهیت دوگانه خواهد داشت که از یک طرف مربوط به مطالبات جنبش سبز بوده و از طرف دیگر ناشی از کاریزمای شخصی وی در تصاحب آرای فراتر از پیش‌بینی‌های قبلی است. با توجه به غلبه‌های درونی و بیرونی سبزها با جنبش‌های چپ و همچنین جنسیت خانم سیلوا که بدون شک آرای طیف سبز و لایه‌هایی از زنان را کسب کرده است،بهترین گزینه جایگزین فراغ از هرگونه بدنه رستان پشت پرده سیاسی به نظر می‌رسد که سید آرای خانم روسف سبزها را در دور اول خود پیروز کرده‌های بدیلی بود که ۶۷ درصدی رای‌دهندگان برزیلی از کاندیدای زن حاضر در این رقابت نشان می‌دهد.آماروئی‌ها این بار می‌خواهند سکان رهبری کشور خود را به دست یک زن بسانند که در دور دوم کسی به غیر از خانم دیلمار روسف نخواهد بود. بسیاری از رای‌دهندگان آقایی خانم روسف به خانم سیلوا به جهت هویت و جایگاه خود به سمت آقایی خوزه سرا در دور دوم برنند زیرا محافظه‌کاران همواره کمترین همسویی را با سبزها داشته‌اند. یکی از عواملی که موجب عدم موفقیت دیلمار سبزه‌ا در دور اول شد وجود گزینه‌های بدیلی بود که طیف متنوع رای‌دهنده را به سوی مطلوب‌ترین گزینه مورد نظر خود سوق می‌داد. این وضعیت در دور دوم به طور اصولی تغییر می‌کند چرا که در ۳۱ اکتبر تنها دو گزینه وجود دارد و مهم‌ترین‌آنکه گزینه اصلی حذف‌شده هیچ سنخیتی باسیاست و روحیه محافظه‌کار آقایی خانم روسف نخواهد داشت. جدا از این موضوع اختلاف رای ۱۴ درصدی بین دیلمار روسف و خوزه سرا یک حریم امن برای نماینده حزب کارگران ایجاد کرده است که عبور از آن برای محافظه‌کاران ناشدنی بوده و احتیاج به بروز یک معجزه دارد و به پراگماتیسیست‌ها و معجزه واقعیت عینی ندارد. یکی از انتقادهایی که مخالفان لولا متوجه سیاست خارجی دولت وی می‌کنند، عدم توجه کافی به حقوق بشر در روابط خارجی بوده است که به احتمال زیاد در صورت پیروزی خانم روسف به دلایل مختلف تا حدودی تلطیف خواهد شد. البته در تحلیل انتخابات برزیل در طول چند روز گذشته یک نکته مهم نادیده گرفته شده است که می‌تواند در آینده سیاسی رئیس‌جمهوری این کشور نقش اساسی بازی کند و آن اینکه همزمان با انتخاب رئیس‌جمهور، رای‌دهندگان ۵۱۳نماینده پارلمان، ۵۴کرسی از ۸۰۱کرسی سنا، فرمانداران ۲۶ ایالت کشور و نمایندگان تمام مجالس منطقه‌ای را نیز انتخاب کردند. ترکیب حزبی و جناحی کرسی‌های پارلمان ملی و ایالتی در کنار فرمانداران جدید و منتخب نشان خواهد داد رئیس‌جمهوری آینده به چه میزان از قدرت سیاسی برای پیاده‌سازی برنامه‌های خود برخوردار است. به هر حال به جهت احتمال قریب به یقین برای پیروزی خانم روسف در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل، وی میراث‌دار خوش‌شانس اتریش‌ای معتبر است که دست وی را برای تحقق شعار «مبارزه با خشونت و فساد در سطح کشور و همچنین بهبود نظام آموزشی، درمان و بهداشت» باز نگه می‌دارد.